

گورستان لعنت آباد را خون کمونیست‌های طیش در خواهد آورد

گورستان تاریخ را چه می‌کنید؟

اسلامی سرمایه گویا ترین نمونه‌ی تاریخی عملکرد همیشه این نظام پوسیده‌ی جهانی است . اما آنچه در این زمینه جای سخن دارد، سفاکت کودگانه یا بهتر بگوئیم سفاکت مکتبی سردمداران جمهوری اسلامی است که از فایده‌های تاریخی پس از اعدا موشیاندهی کمونیست‌ها اجابت آنان را به گمان خود و به قصد اهانت بدون فصل و کفن در گورستان "غیرمسلمانها" یعنی گورستان "لعنت آباد" دفن میکنند . تا باز به گمان خود انتقام حامیان سرمایه و لازم و ضروری راه رهایی اردوی کار گرفته باشند .

بر اساسی نظام پوسیده‌ی سرمایه‌داری جا دارد که حامیان چنین سفیه بر خود ببینند . غریبی که فرو میرود به هر پوئی چنگ خواهد زد . و حامیان "مکتبی" سرمایه سر آن دارند تا خود را در مقابل چشمان وحشت زده‌ای این فریق نه‌آنچه که هستند - پوئی بر موج - بلکه کنده‌ای راه - وار تا کرانه‌های رستگاری ببابند . و قصد آن دارند که این نمود و نمایش مضمک را همچنان که محترم است با خون انقلابیون بیشتری بسازند .

بگذار چنین باشد و چنین تر باشد . آری ، فکند و اعدام کنید . فتوای قتل کمونیست ها را صادر کنید . آنها را بکشید . استخوانشان را بسوزانید . خاکسترشان را بر باد دهید . "لعنت آباد" را از خون آنان به طیش در آورید و به یاد داشته باشید که این نه "لعنت آباد" که قلب توده‌هاست که یاد آنان را همواره در خود جای خواهد داد . میان توده‌هایی که "نظام" و "مکتب" پوسیده‌ی دنیا را بی درنگ به "گورستان تاریخ" خواهند سپرد .

فاسدین انقلاب توده‌ها را دیری نماند تا اجرای آخرین نمایشات نفرت انگیز و مضمک قرون وسطایشان را بر صحنه‌ی رسوایی فرجه بیشترشان گردن نهند .

تنها دو سال و نیم فرصت لازم بود تا "خبرگان" هزار و چهارصد سال از قافله‌ی تاریخ به دور مانده آخرین ده مانده‌های تبعیت قبیله ای به ارث برده را از انبیا پوسیده‌شان بیرون بپرزند : "معارف" ، "باغی" ، "باغی" و ... و آنگاه همچون همیشه تاریخ آخرین صحنه‌ساز ، صحنه گردانان سرمایه و ستم در خون انقلابیونی بیشتر فرقه شد .

اما آنچه کمندی برگ رژیم جمهوری اسلامی را از دیگر رژیمهای سرمایه‌داری متمایز می‌سازد همانا عقب ماندگی و تنگ نظر قبیله‌ای و با قیل قرون وسطایی آنان است . و همین خصوصیت خاص است که رژیم جمهوری اسلامی را آنگونه مضمک به صحنه آورده و اینچنین نفرت انگیز از صحنه میبرد .



در باب کشتار انقلابیون (با لای کمونیست ها ، این پیگیرترین مبارزین راه آزادی) توسط ابادی و پاسداران سرمایه چیز تازه‌ای بسرای گفتنی نیست خاصه آنکه رژیم ددمنشی جمهوری اسلام می در دو سال و نیم گذشته این قانون ننگین سرمایه‌داری را به نحو احسن در زندان ، خیابان ، خانه ، مدرسه ، دانشگاه ، کارخانه و هر شهر و روستایی به اجرا گزارده است . کشتار وحشیانه‌ی صدها انقلابی طی بیست و چند روز و در پی موج خیزهای اعتراضی اخیر توسط حامیان

انقلاب به نیرویی که "توده‌های بیخستری" را بسیج میکنند از هم اکنون سنگ بنای حرکت نیروهای چپ را تحت رهبری مجاهدین بسرای ساختن سوسیالیسم اسلامی (چه بخواهند چه نخواهند) گذاشته‌اند و این میریاند گسه از گذشته هیچ نیا موختاریم و کماکان کورمسال کورمال در حرکت روزمره و تجریمی بسرمیبریم . نه ! چپ با هیچ نیروی دیگری بسرای نوع دیگری از انقلاب اسلامی ، انقلاب دیگری نخواهد کرد . یکبار برای هلت نسل او کافی بود . همکاری در مبارزات فدائیشستی و قسم امپریالیستی آری . ایجاد توهم جدید نسبه چپ ایران بجای آنکه جثه‌ی خود و مجاهدین را در ترازو وزن کند باید بداند که رسالتش در این نیست که لبی را در ایران تگوار کند . اجتناب از این امر نسبه اشتلافهای "عقل متعارف" طلب ، بلکه در اتحاد اولیهدی نیروهای چپ است که آنان را از آن چری که رفقای فدایی بحق سردرگمی و زیگزایک شدن مینامند بدر آورده .

حیو . . . احترام به این اعتقادات نه بمنزله‌ی ندیدن ایرادات کار آنها در ایجاد توهمهای گوناگونی (که توهم بشی صدر صرفا اخیرترین آن است) بوده است و نه بمنزله‌ی اینکه مانند بخشی از چپ که خود و آینده‌ی خود را بسزای می بیند ، صرفا بر مبنای یک دید پراگماتیستی کم عقل ، برای کل جامعه و آینده‌ی ایران توهمی بنام مجاهدین درست کنیم که ضرورتی قابل تردید آن تبعیت از برنامه‌های آنان و پذیرفتن رهبری آنان است . مجاهدین اعتبار مبارزات خود را دارند ولی نه خطاهای آنان در ایجاد توهمات مختلف فراموش شدنی است و نه این نکته که آنها هیچ چیز مشخصی از جامعه‌ی مورد نظر غسبوه نگفته‌اند . حکومت اسلامی ؟ سوسیالیستی؟ سرمایه‌داری دولتی؟ و یا چیزی که همه‌ی این ها هست . سوسیالیسم اسلامی . توهمی عظیمش رفقای اقلیت با مربوط دانستن امر هژمونی